

مفهوم لقاء الله در آیات و روایات

زهرا محسنی زاده

چکیده

دیدار پروردگار، از مباحث توحیدی مطرح شده در آیات و روایات اهل بیت علیهم السلام است. در نگاه اولیه، بین اعتقادی ممکن نبودن مشاهده خداوند از یک سو، و اشاره به وقوع دیدار خداوند برای برخی مؤمنین از سوی دیگر، تعارض ظاهری دیده می‌شود. در این میان برخی تفاسیر، با اشاره به روایاتی، با انکار امکان مشاهده خداوند، دیدار او را به معنی بعث و قیامت گرفته‌اند؛ چنانچه برخی نیز با استناد به دیگر روایات، معنایی بالاتر و عمیق‌تر از دیدار پروردگار ارائه کرده‌اند که شرایط خاص خود را می‌طلبد و شامل برخی مؤمنین می‌شود.

کلید واژه‌ها: رؤیت، دیدار پروردگار، قرآن کریم، مؤمن، دیدار خاص.

لقاء، در لغت به معنی تقابل دو شیء است (معجم مقاییس اللغة: ج ۵ ص ۲۶۱). آنچه در ابتدای امر از معنای آن به نظر می‌رسد، دیدار خداوند است، اما باید بررسی کرد، با توجه به اصول و محکومات عقائد توحیدی، لقاء و دیدار خداوند چگونه قابل توضیح و بیان صحیح است. در این میان، تمامی فرق اسلامی به گونه‌ی واحدی به موضوع رؤیت خداوند، پرداخته‌اند و اختلاف نظرانی در این میان وجود دارد.

ابطال نظریه‌ی امکان دیدن مادی خداوند

فرقه مجسمه و کرامیه معتقدند که دیدن خداوند با چشم سر امکان دارد؛ به این صورت که می‌توان خداوند را از سوی بالا دید. اشاعره، با وجود قائل بودن به تجرد خداوند متعال می‌گویند، می‌توان خداوند را با چشم دید، البته نه آن گونه که قائلین به مجسمه عقیده دارند، بلکه خداوند دیده می‌شود در حالی که نه بالا است و نه پایین، نه راست است و نه چپ، نه جلو است و نه عقب، نه

کل خداوند دیده می‌شود و نه جزیی از او... و هنگامی که دیده می‌شود نمی‌توان به او اشاره کرد، با وجود این، دیده هم می‌شود.

برخی نیز معتقدند، امکان دارد خداوند قوت قلبی به چشم دهد تا بتواند متوجه او شود و او را درک کند، که این ادراکه نوعی علم است؛ چرا که با نیروی قلب ایجاد می‌شود، و نیز دیدن است؛ زیرا حالتی در چشمان انسان پدید آمده است (رساله حول الرؤیه: ص ۸-۱۲).

در این میان، معتزله و امامیه، به گونه‌ی دیگر می‌نگرند. از دیدگاه ایشان، امکان دیدن خداوند با چشم سر و به صورت مادی و ظاهری، چه در دنیا و چه در آخرت وجود ندارد. دلیل ایجاد توهم امکان رؤیت خداوند به صورت مادی و با چشم، انس انسان با امور مادی است. تماس انسان با امور حسی و مشغول شدن بدانها، باعث عادت کردن به دیدن و شناختن مادی و ظاهری امور می‌شود. گاه این عادت را به امور دیگر نیز سرایت می‌دهد، و وی را به سمت شناخت خداوند به صورت مادی و دیدار ظاهری سوق می‌دهد، اما به دلایل عقلی و نقلی، امکان این گونه رؤیت خداوند متعال وجود ندارد.

هر آنچه با چشم دیده شود محسوس، مادی و محدود است؛ مکان دارد و قابل احاطه فیزیکی و نفوذ و تجزیه پذیری است، و حال آنکه خداوند، مجرد است و خالق این امور و قابل احاطه و تقسیم نیست.

قرآن کریم به این اصل اعتقادی اشاره می‌کند که چشم‌ها قادر به دیدن خداوند نیستند. هنگامی که قوم موسی علیهم‌السلام درخواست دیدار خداوند را نمودند، خداوند صاعقه‌ایی را فرستاد و به آنان فهماند که شما تحمل دیدن و ظهور یکی از آیات الهی را ندارید، چه رسد به دیدن خداوند که اصولاً امکان ندارد.

﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ﴾
(بقره: آیه ۵۵).

و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که گفتید: «ای موسی! ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد، مگر اینکه خدا را آشکارا (با چشم خود) ببینیم!»، پس صاعقه‌ی شما را گرفت در حالی که تماشا می‌کردید.

چنانچه این اصل به صورت محوری در قرآن کریم ذکر شده است:

﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَرَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (انعام: آیه ۱۰۳).

چشمها او را در نمی‌یابند و اوست که دیدگان را درمی‌یابد، و او لطیفِ آگاه است.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

لا تدرکه العیون بمشاهده العیان، ولكن تدرکه القلوب بحقایق الایمان؛ دیدار خدا برای دیدگان آشکارا میسر نیست، اما دل‌ها او را با دستیابی ایمان دریابند (نهج البلاغه: خطبه ۱۸۵).

و در خطبه اشباح، در پاسخ به کسی که از دیدن خداوند با چشم پرسید، فرمودند:
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... الرَّادِعُ أَنَسَى الْأَبْصَارَ عَنْ تَنَالِهِ أَوْ تَدْرِكُهُ.
 سپاس خداوندی که مردمک های چشمان را از دیدن خود ممنوع نموده است (همان:
 خطبه ۹۱).

حال باید دید مفهوم لقاء پروردگار اشاره شده در آیات و روایات، چگونه است. در این جا آیات و
 روایات که بازگشت همه امور را به سوی خداوند متعال می داند، می پردازیم.

﴿وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ﴾ (نجم: آیه ۴۲).

و به یقین بازگشت (همه) به سوی پروردگار تو است!

آیه، در ظاهر خطاب به رسول خدا ﷺ است، اما از سویی، متوجه همه است و از سوی دیگر،
 نوعی تحدید و تحذیر در آن به مخالفان جهت سرکشی هایشان وجود دارد (المیزان: ج ۲۰ ص ۵۵۱).

﴿إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ﴾ (علق: آیه ۸).

همه امور به پروردگارت منتهی می گردد.

در اینجا نیز آیه خطاب به رسول خداست، اما از آنجا که خداوند، رب همه موجودات است،
 منتهی شدن رسول خدا ﷺ به سوی خداوند، نشان از انتها و رجعت همه امور و انسانها به سوی
 خداوند است.

﴿وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تَحْشُرُونَ﴾ (انفال: آیه ۲۴).

و همانا به سوی او محشور می شوید.

تمام جهان هستی و از جمله انسان، به سوی خداوند باز می گردد.

آیات مربوط به دیدار پروردگار، به دو گونه صریح و غیر صریح به این موضوع پرداخته اند.

۱- آیات صریح در لقاء خداوند

برخی از این آیات، خطاب به مؤمنین و برخی دیگر خطاب به مشرکان است.

الف: آیاتی که کفر مشرکان، به لقاء پروردگارشان را نشان می دهد.

﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ لِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا﴾
 (کهف: آیه ۱۰۵).

آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و لقای او کافر شدند؛ به همین جهت،
 اعمالشان حبط و نابود شد! از این رو روز قیامت، میزانی برای آنها برپا نخواهیم کرد!

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ لِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يُسْأَلُونَ مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (عنکبوت: آیه ۲۳).

کسانی که به آیات خدا و دیدار او کافر شدند، از رحمت من مأیوسند و برای آنها عذاب
 دردناکی است!

آیاتی که بیان کننده امید نداشتن کفار به لقاء پروردگار است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ﴾
(یونس: آیه ۷).

آنها که ایمان به ملاقات ما (و روز رستاخیز) ندارند، و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند، و آنها که از آیات ما غافلند.

همچنین قرآن کریم در جایی دیگر، تردید کفار به لقاء پروردگار را بیان می‌کند:

﴿أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ...﴾ (فصلت: آیه ۵۴).

آری، آنان در لقای پروردگارشان تردید دارند.

این آیه تکذیب کفار نسبت به دیدار پروردگار را نشان می‌دهد و آیات دیگر انکار مشرکین نسبت به حضور در صحنه قیامت و لقاء آخرت را متذکر می‌شود.

﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ لِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (اعراف: آیه ۱۴۷).

و کسانی که آیات ما و دیدار آخرت را دروغ پنداشتند، اعمالشان تباه شده است. آیا جز در برابر آنچه می‌کردند کیفر می‌بینند؟

آیاتی که مشرکان و کفاری را که لقاء پروردگار را انکار کرده و یا به سخره می‌گیرند، توبیخ می‌کند.

﴿قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَطْنَا فِيهَا وَ هُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ﴾ (انعام: آیه ۳۱).

آنها که لقاء پروردگار را تکذیب کردند، مسلماً زیان دیدند، [و این تکذیب، ادامه می‌یابد] تا هنگامی که ناگهان قیامت به سراغشان بیاید، می‌گویند: «ای افسوس بر ما که درباره آن، کوتاهی کردیم!» و آنها [بار سنگین] گناهانشان را بر دوش می‌کشند؛ چه بد باری بر دوش خواهند داشت!

﴿وَ يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَ مَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾ (یونس: آیه ۴۵).

[به یاد آور] روزی را که [خداوند] آنها را جمع [و محشور] می‌سازد، آنچنان که [احساس می‌کنند] گویی جز ساعتی از روز، [در دنیا] توقف نکردند؛ به آن مقدار که یکدیگر را [ببینند و] بشناسند! مسلماً آنها که لقاء خداوند [و روز رستاخیز] را تکذیب کردند، زیان بردند و هدایت نیافتند!

ب: دسته دیگر آیات لقاء خداوند، مربوط به مؤمنین است. برخی از این آیات، تشویق به ایمان و شوق به دیدار الهی است.

﴿ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَ تَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ﴾ (اعراف: آیه ۱۵۴).

سپس به موسی، کتاب [آسمانی] دادیم، [و نعمت خود را] بر آنها که نیکوکار بودند، کامل کردیم؛ و همه چیز را [که مورد نیاز آنها بود، در آن] روشن ساختیم؛ کتابی که مایه هدایت و رحمت بود؛ شاید به لقای پروردگارش (و روز رستاخیز)، ایمان بیاورند!

برخی آیات نیز کسانی را که امید به دیدار الهی دارند تشویق به عمل صالح می‌کند.
﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (کهف: آیه ۱۱۰).

بگو: «من فقط بشری هستم مثل شما؛ [امتیازم این است که] به من وحی می‌شود که تنها معبودتان معبود یگانه است، پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند!
﴿مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (عنکبوت: آیه ۵).
کسی که به دیدار خدا امید دارد [بداند که] اجل [او از سوی] خدا آمدنی است، و اوست شنوای دانا.

برخی آیات، یقین مؤمنان به ملاقات با پروردگار را نشان می‌دهد.
﴿قَالَ الَّذِينَ يظُنُّونَ أَنَّهُمْ ملاقوا رَبَّهُمْ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ كَثِيرَةٍ غَلَبَتْ فَتْنَهُ كَثِيرَةً بِأَذْنِ اللَّهِ...﴾ (بقره: آیه ۲۴۹).

آنانی که می‌دانستند که با خدا دیدار خواهند کرد، گفتند: به خواست خدا چه بسا گروهی اندک که بر گروه بسیاری غلبه کنند.

و در پایان، آیه‌ایی که تمام انسانها را مورد خطاب قرار می‌دهد و قطعیت لقاء آنان با پروردگار را متذکر می‌شود.

﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾ (انشقاق: آیه ۶).

ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد!

۲- آیات غیر صریح در لقاء خداوند

آیاتی مانند:

﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ * إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ﴾ (فجر: آیه ۲۳، ۲۲).

[آری] در آن روز صورت‌هایی شاداب و مسرور است، و به پروردگارشان می‌نگرد!

﴿رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ﴾ (تحریم: آیه ۱۲).

پروردگارا، پیش خود در بهشت خانه‌ای برایم بساز.

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ﴾ (آل عمران: آیه ۱۶۹).

[ای پیامبر!] هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

﴿ يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً * فَأَدْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّتِي ﴾ (فجر: آیه ۲۷ - ۳۰).

تو ای روح آرام‌یافته! به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است، پس در سلک بندگانم در آی، و در بهشتم وارد شو.

لقاء خداوند در نگاه مفسران

مفسران، دسته اول آیات را به معنی روز قیامت، جزا و پاداش در نظر گرفته‌اند. صاحب مجمع البیان در تمامی آیات مذکور، دیدار خداوند را مشاهده و مواجهه با پاداش و جزای الهی می‌داند، و در تفسیر «واعلموا انکم ملاقوه»، بدین معنا اشاره می‌کند و وجه بیان این شکلی خداوند را به جهت معنای لقاء یافتن، دانسته است، همچون زمانی که گفته می‌شود: لقی جهده (ثمره تلاش خود را یافت)، افزون بر این که اصولاً کسی نمی‌تواند خدا را ببیند (مجمع البیان: ج ۲ ص ۷۸۷).

صاحب مناہج البیان نیز لقاء در «فملاقیه» را لقاء ثواب و عقاب خداوند بیان می‌کند (مناہج البیان: ص ۲۸۸)؛ چنانچه طبرسی نیز در «احتجاج»، لقاء را در آیه کریمه "فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ"، بعث و قیامت می‌داند و دلیل ذکر آن به لقاء را همچون آیه دیگری می‌داند که خداوند می‌فرماید:

﴿ مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴾ (عنکبوت: آیه ۵).

کسی که امید به لقاء الله [و رستاخیز] دارد [باید در اطاعت فرمان او بکوشد!] زیرا سرآمدی را که خدا تعیین کرده فرا می‌رسد، و او شنوا و داناست!

یعنی کسی که ایمان دارد که این وعده آمدنی است، بداند که حتماً محقق می‌شود؛ چه از جهت ثواب و چه از جهت عقاب. و آیه «تحتیهم یوم یلقونه سلام» (احزاب: آیه ۳۳)؛ یعنی ایمان و اطمینان به روز بعث از قلوب آنان زائل نمی‌شود. و همچنین آیه «الایضن اولئک انهم مبعوثون» (مطففین: آیه ۵)، یعنی آیا آنها یقین ندارند که مبعوث می‌شوند؟ و به عبارتی لقاء نزد مؤمن، بعث و قیامت است (الاحتجاج: طبرسی ج ۲ ص ۳۷۱ - ۳۷۲). علامه مجلسی نیز لقاء خداوند را در آیه «قال الذین یظنون انهم ملاقوا الله» را ثواب و پاداش الهی می‌داند (بحار الانوار: ج ۸ ص ۹۲).

علامه طباطبایی نیز این آیات را به معنای قیامت و روز حشر می‌داند، چنانچه «فملاقیه» را [به جهت سیاق آیه در مسیر حرکت انسان به سوی خداوند] منتهی شدن به سوی او می‌داند، یعنی جایی که در آن هیچ گونه حکمی جز خداوند نیست، چرا که مانعی در انفاذ حکم خداوند وجود ندارد و دیدار خواندن آن برای آن است که کفار را شگفت‌آورتر سازد و بفهماند که چگونه ممکن است از ناحیه خداوند آغاز گردد و سرانجامشان به سوی او نباشد (المیزان: ج ۲۰ ص ۴۰۱). در این روز است که علم حقیقی نسبت به خداوند برای همه ایجاد می‌شود و به کاربردن واژه رؤیت در آن، از باب عینی بودن آن برای انسان است، مانند به کار بردن آن در محاورات روزمره که گفته می‌شود: من خودم را می‌بینم که نسبت به فلان امر ارادت یا کراهت دارم (المیزان: ج ۸ ص ۳۴۵).



تفسیر نورالثقلین و البرهان، لقاء را، بعث معنا نموده‌اند (نورالثقلین: ج ۱ ص ۷۶ و ۷۷، و ج ۴ ص ۱۵۳: البرهان: ج ۱ ص ۲۰۹ و ج ۵ ص ۲۲۴).

مفسران، دسته دوم آیات، که به صورت غیر صریح به دیدن خداوند اشاره دارد، را به معنای دیگری تفسیر کرده‌اند. صاحب مجمع البیان، قول همسر فرعون را که می‌گفت: «ربّ ابن لی عندک بیتاً فی الجنّه (تحریم: آیه ۱۲)؛ پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز» را، به بهره‌مندی از نعمت‌های خداوند معنا می‌کند، و ﴿عندَ ملیکٍ مقتدرٍ﴾ (قمر: آیه ۵۴)؛ نزد خداوند مالک مقتدر! را، در کف و جوار خدا بودن به جهت قرار داشتن تحت رحمت و فضل خداوند می‌داند (مجمع البیان: ج ۱۰ ص ۱۹۵ و ۳۱۹).

مرحوم طبرسی در آیه ﴿إلی ربّها ناظره﴾ (فجر: آیه ۲۳)؛ به سوی پروردگارشان می‌نگرند، دو وجه را از قول محدثان و مفسران نقل می‌کند: ۱- دیدن به چشم سر، که آن هم یا دیدن خداوند است، که طبعاً بر اساس مبانی اعتقادی وی، مردود است و یا دیدن پادشاه‌های بهشتی که شادی آفرین‌اند؛ و همچون عبارت «جاء ربُّک» و «جاء امر ربُّک» است، ۲- منظور از «نظر»، انتظار است، حال یا انتظار پادشاه و تجدید کرامت الهی، و یا قطع آمال و آرزوها از غیر خداوند متعال است (همان: ص ۱۷۴ و ۱۷۵).

ایشان در این میان وجه خاصی را در نظر ندارد، اما بنا بر تفسیری که از تمامی آیات لقاء پروردگار در بخش آیات صریح در نظر گرفته است، به نظر می‌رسد دیدن را دیدن نعمت‌ها، و انتظار را، انتظار نعمت‌ها و یا نعمت‌های دوباره و بیشتر در نظر گرفته است.

صاحب مناہج البیان، لقاء در قرآن را «دیدار ایمانی» می‌داند، به گونه‌ای که خداوند خود را به بندگانش می‌شناساند (مناہج البیان: ص ۲۸۸)، و «جَنَّتِ» را رجوع انسان به خدا، با رضایتش و همراهی با صالحان در بهشت ذکر می‌کند (همان: ص ۴۷۷).

عَلَّامه طباطبایی رحمته‌الله «جَنَّتِ» را جایگاه خاص مؤمن - که به جهت اضافه شدن ضمیر متکلم به جنت، نشان از تشرف خاص است - می‌داند (المیزان: ج ۲ ص ۴۷۸)، و «وَجِوهٌ یومئذٍ ناظره» را توجه خاص مؤمنان به پروردگار معنا می‌کند که هیچ عاملی قلوب آنان را از یاد خدا دور نمی‌سازد، چرا که همه عوامل و اسباب ساقط‌اند؛ در رضوان الهی به هیچ نعمتی از نعمتها منتعم نمی‌شوند، مگر آنکه در همان حال پروردگارشان را مشاهده می‌کنند؛ همه آیت‌ها خدایند، و نظر نمودن به آیت خدا، نظر کردن به خداوند است (همان: ص ۱۷۸).

لقاء الله در روایات

روایات در هنگام تفسیر آیات لقاء، آن را به معنی «بعث و حشر روز قیامت» معرفی می‌کنند. چنانچه امام علی علیه السلام در پاسخ به پرسش فردی که از تعارض آیات در مورد دیدن خداوند می‌پرسد، فرمودند: **يَعْنِي «أَنَّهُمْ يُبْعَثُونَ وَيُحْشَرُونَ وَيُحَاسَبُونَ وَيُجْزَوْنَ بِالْثَوَابِ وَالْعِقَابِ وَالظَّنُّ هَاهُنَا الْيَقِينُ»**. یعنی یقین دارند که برانگیخته و محشور و حسابرسی می‌شوند و پاداش و کیفر می‌بینند، و گمان در اینجا به معنای یقین است. (نور الثقلین: ج ۱ ص ۷۶ و ۷۷؛ البرهان: ج ۱ ص ۲۰۹).

و در تفسیر آیه **«مَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ»** می‌فرمایند:

يعني **«مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِأَنَّهُ مَبْعُوثٌ، فَإِنَّ وَعْدَ اللَّهِ لَا تَمِينُ مِنَ الثَّوَابِ وَالْعِقَابِ، هُوَ الْبَعْثُ، فَإِنَّهُمْ جَمِيعٌ مَا فِي الْكِتَابِ مِنْ لِقَائِهِ فَإِنَّهُ يَعْنِي بِذَلِكَ الْبَعْثُ»**

یعنی کسی که به برانگیخته شدن ایمان دارد، زیرا وعده خدا درباره کیفر و پاداش حتماً آمدنی است. دیدار، به معنای بعث است [و به معنای رؤیت نیست]، پس تمام آنچه که در کتاب خدا راجع به دیدن آمده، به معنای برانگیخته شدن است (نور الثقلین: ج ۴ ص ۱۵۳).

روایات لقاء الله

احیثی که مفهوم دیدار پروردگار را با واژه لقاء ذکر کرده‌اند، به سه دسته قابل تقسیم‌اند:

۱- روایاتی که از مرگ با عنوان «لقاء پروردگار» (مقدمه و پیش زمینه دیدار الهی) تعبیر کرده‌اند:

- فَإِنَّمَا يُحِبُّ اللَّهُ لِقَاءَ مَنْ يُحِبُّ لِقَاءَهُ وَ يَكْرَهُ لِقَاءَ مَنْ يَكْرَهُ لِقَاءَهُ وَ كَيْفَ تَزْعُمُونَ أَنكُمْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ وَ أَنْتُمْ تَفْرُونَ مِنَ الْمَوْتِ وَ تَتَّصِمُونَ بِالدُّنْيَا؛ خداوند در حقیقت خواستار دیدار کسی است که خواستار دیدار او باشد، و دیدار با کسی را ناخوش دارد که ملاقات او را خوش ندارد. چگونه می‌پندارید دوستان خدايید و نه مردم، حال آنکه از مرگ می‌گریزید و به دنیا می‌چسبید (تحف العقول: ص ۵۰۵).

- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ... أَنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَ لِقَاءَهُ حَقًّا وَ صَدَقَ اللَّهُ (الكافي: ج ۲ ص ۵۸۸).

امام حسین علیه السلام در مسیر حرکت به کربلا فرمودند:

لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِهِ مُحَقَّقًا فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا السَّعَادَةَ؛ به راستی که مؤمن باید به [مرگ و] دیدار خدا روی آورد. پس من مرگ را جز سعادت نمی‌بینم. (تحف العقول: ص ۲۴۵).

امام صادق علیه السلام:

قال الله تبارك و تعالی: لِيَأْذَنَ بِحَرْبٍ مِنْ مُسْتَذِلِّ عِبْدِي الْمُؤْمِنِ وَ مَا تَرَدَّدَتْ عَنْ شَيْءٍ كَتَرَدَّدِي فِي مَوْتِ الْمُؤْمِنِ، إِنِّي لِأُحِبُّ لِقَائَهُ وَ يَكْرَهُ الْمَوْتَ فَأَصْرِفْهُ عَنْهُ... (المحاسن: ج ۱ ص ۱۶۰).

امام علیه السلام مرگ را که چشم گشودن به نشئه برزخی و از بین رفتن حجاب دنیوی است و نوعی مشاهده برای مؤمن ایجاد می‌شود، به لقاء تعبیر نموده‌اند، به عبارت دیگر مرگ، به دریچه‌ایی تعبیر شده است که نوعی لقاء را ایجاد می‌کند.

۲- در دسته دیگر احادیث، دیدار پروردگار، به همراه ثواب و عقاب خداوند عنوان شده است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

مَنْ عَدَلَ فِي وَصِيَّتِهِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ تَصَدَّقَ فِي حَيَاتِهِ وَ مَنْ جَارَ فِي وَصِيَّتِهِ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَنْهُ مُعْرَضٌ؛ هر که در وصیتش عدالت پیشه کند، کسی است که در زندگی‌اش صدقه بخشیده است و هر که در وصیتش ستم ورزد، خدا را در حالی که از او روی گردان است، دیدار می‌کند (همان: ج ۷ ص ۵۸).

امام علی علیه السلام فرمودند:

مَنْ نَكَثَ بَيْعَتَهُ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَجْذَمٌ لَا يَدُّ لَهُ؛ هر که بیعتش را بشکنند، در روز قیامت مانند جذامی دست بریده خداوند را ملاقات می‌کند (دعائم الاسلام: ج ۲ ص ۱۵).

امام رضا علیه السلام:

مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خَلَّافَ سَلَامَهُ عَلَى الْغَنِيِّ، لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانٌ؛ هر که تهیدست مسلمان را ببیند و به او به گونه‌ای غیر از سلام به ثروتمند سلام کند، خدا را در قیامت در حالی که از او خشمناک است ملاقات می‌کند (مستدرک الوسائل: ج ۹ ص ۱۵۸).

چنانچه مولی صالح مارندرانی مراد از لقاء را مرگ یا بعث (جزء پاداش و عقاب) می‌داند (شرح

اصول کافی: ج ۱۰ ص ۴۸۴).

۳- دسته سوم، دیدار پروردگار را پاداش برتر بهشتیان می‌داند. امام علی علیه السلام در وصف بهشتیان

مؤمن، پس از ذکر ورودشان به بهشت برزخی و منتعم شدن از نعمت‌های فراوان پروردگارن، آنها را

مشتاق به دیدار پروردگار بیان می‌کند:

... فَلَيْسَ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ لِقَاءِ اللَّهِ، ... فَيَقُولُ: يَا رَبِّ عَجَّلْ عَلَيَّ قِيَامَ السَّاعَةِ حَتَّى أَرْجِعَ إِلَى أَهْلِي وَمَالِي، فَإِذَا كَانَتْ صَبِيحَةُ الْقِيَامَةِ خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ مَسْتَوْرَهُ عَوْرَتَهُ، مَسْكَنَهُ رَوْعَتَهُ قَدْ أُعْطِيَ الْأَمْنَ وَالْأَمَانَ... ثُمَّ يَقُولُ الْجَبَّارُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: يَا مَلَائِكَتِي أَسْقُوهُمْ قَال: فَيُؤْتُونَ بِأَشْرَبِهِ، فَيَقْبِضُهَا وَلِيُّ اللَّهِ فَيَشْرِبُ شَرِبَهُ لَمْ يَشْرَبْ مِثْلَهَا قَط. قَالَ: ثُمَّ يَقُولُ: يَا مَلَائِكَتِي طَيِّبُوهُمْ، فَتَأْتِيهِمْ رِيحٌ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ بِمَسْكِ أَشَدَّ بَيَاضاً مِنَ الثَّلْجِ تَغْيِيرُ وَجُوهِهِمْ وَجِبَاهِهِمْ وَجَنُوبِهِمْ يَسْمَى الْمَثِيرَةَ فَيَسْتَمَكِنُونَ مِنَ النَّظَرِ إِلَى نُورِ وَجْهِهِ فَيَقُولُونَ: يَا سَيِّدَنَا حَسْبُنَا لَذَاذِهِ مَنْطِقُكَ وَالنَّظَرُ إِلَى نُورِ وَجْهِكَ لَا نُرِيدُ بِهِ بَدَلاً وَلَا نَبْتَعِي بِهِ حَوْلًا (الاختصاص: منصوب به شیخ مفید، ص ۳۴۹).

همچنین این مسئله در ماجرای وفات حضرت ابراهیم علیه السلام نیز بیان شده است، که خداوند خود را

مشتاق به دیدار حبیبش می‌خواند (الكافی: ج ۴ ص ۶۵).

بستر آیات صریح لقاء

قرآن کریم هنگامی که دیدار پروردگار را به صورت صریح بیان می‌کند، غالباً روز قیامت و رستاخیز و مواجهه با اعمال را مد نظر دارد، چرا که هنگام تشویق به آن، و یا ذکر انکار و اعراض مشرکین از آن، موضوع بهشت و جهنم، و جزا و پاداش مطرح بوده و با نوعی تهدید و تشویق همراه است، مانند آیه مبارکه:

﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ * أُولَئِكَ مَاوَاهِمِ النَّارِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (یونس: آیه ۷۸).

کسانی که امید به دیدار ما ندارند، و به زندگی دنیوی دل خوش کرده و بدان اطمینان یافته‌اند، و کسانی که از آیات ما غافلند، آنان به [کیفر] آنچه به دست می‌آوردند، جایگاهشان آتش است.

و یا ذکر نوع حسابرسی آسان و سخت از انسانها در قیامت، پس از ذکر رجوع همه به سوی خداوند مطرح می‌شود: یا آیه:

﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾ (انشقاق: آیه ۶).

ای انسان، حَقّاً که به سختی، به سوی پروردگارت در تلاشی، و او را ملاقات خواهی کرد.

آشکار شدن مظاهر ربوبیت پروردگار

در این روز همه موانعی که جهت امتحان بشر در دنیا وضع شده بود کنار می‌رود و ترس روز قیامت، همه را موحد می‌کند و شرایط ایجاد معرفت و بصیرت موحدانه برای همه ایجاد می‌شود.

﴿يَوْمَئِذٍ يُوقِفِيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ﴾ (نور: آیه ۲۵)

آن روز، خدا جزای شایسته آنان را به طور کامل می‌دهد و خواهند دانست که خدا همان حقیقت آشکار است.

معرفت به خداوند از بدیهی‌ترین بدیهیات است که تنها با بروز غفلت، فراموشی یا انکار می‌شود، اما روز قیامت که همه حجابهای غفلت زدوده می‌شود، حق بدون هیچگونه حجابی عرضه می‌شود (المیزان: ج ۱۵ ص ۱۳۶) و این معرفت تام برای همه حاصل می‌شود؛ چرا که در وحشت روز قیامت، جای برای غفلت و مشغول شدن به امور غیر الهی باقی نمی‌ماند، چنانچه این روز را یوم التلاق می‌نامند.

از وجوه نامگذاری این روز به «یوم التلاق» ملاقات انسانها با خالق خویش است. ملاقات، دیدار دو سوپیه است. همه موجودات و انسانها، با تمامی وجوه وجودی خویش نیازمند درگاه الهی‌اند، اما این معرفت با معانی تمام آن، تنها در قیامت برای همه حاصل می‌شود.

﴿يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَىٰ اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِّمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾ (غافر: آیه ۱۵)

او درجات [بندگان صالح] را بالا می‌برد، او صاحب عرش است، روح [مقدس] را به فرمانش بر هر کس از بندگان که بخواهد لقاء می‌کند تا [مردم را] از روز ملاقات [روز رستاخیز] بیم دهد!

معنای این ملاقات - چنانچه در قرآن کریم ذکر شده - این است که در آن روز همه اسبابی که در دنیا مردم را به خود مشغول می‌کرد از کار افتاده و تنها حق آشکار است؛ چرا که روز ظهور ملک و سلطنت خدا بر خلق است؛ آن هم ملک و سلطنت علی الاطلاق (همان: ج ۱۷ ص ۴۸۴). قرآن کریم نیز به این امر اشاره می‌کند که در آن روز همه بینا می‌شوند و پرده‌های غفلت کنار می‌رود.

﴿لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ﴾ (ق: آیه ۲۲)
تو از این صحنه [و دادگاه بزرگ] غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم، و امروز چشمت کاملاً تیزبین است!

دلیل آن نیز زائل شدن تمامی مظاهر شرک و کفر است.
﴿ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ * مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَكُنْ نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ﴾ (غافر: آیه ۷۳ و ۷۴).
آنگاه به آنان گفته می‌شود: آنچه را در برابر خدا [یا او] شریک می‌ساختید کجایند؟ می‌گویند: «گمشان کردیم، بلکه پیشتر [هم] ما چیزی را نمی‌خواندیم».
این گونه خدا کافران را بی‌راه می‌گذارد.

گونه‌های مختلف دیدار در قیامت

- دیدار کافران و مشرکان

چنانچه ذکر شد مشرکین نیز به بینا شدن خود اعتراف کرده درخواست بازگشت به دنیا را دارند که البته پذیرفته نمی‌شود. ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ﴾ (سجده: آیه ۱۲) و کاش هنگامی را که مجرمان پیش پروردگارش سرهاشان را به زیر افکنده‌اند می‌دیدید [که می‌گویند]: «پروردگارا، دیدیم و شنیدیم؛ ما را بازگردان تا کار شایسته کنیم، چرا که ما یقین داریم.»

با وجود این معرفتی که ایجاد می‌شود مشرکین هنوز هم در حجاب از رحمت الهی‌اند: ﴿إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ﴾ (مطففین: آیه ۱۵) آنان در آن روز، از پروردگارشان سخت محجوبند.

معنای این محجوب بودن، حجاب از معرفت الهی نیست بلکه حجاب از رحمت خداوند است (المیزان: ج ۱۹ ص ۳۸۶).

بنابراین لقاء پروردگار، به صفات جلالیه و جمالیه اوست و همه انسانها به لقاء پروردگار نائل می‌شوند که در این میان کفار با صفات جلالیه خداوند مواجه می‌شوند و از رحمت الهی محروم می‌مانند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يَكَلِمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَزَكِيهِمْ وَلَا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (آل عمران: آیه ۷۷) کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خود را به بهای ناچیزی می‌فروشند، آنان را در آخرت بهره‌ای نیست؛ و خدا روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید، و به ایشان نمی‌نگرد، و پاکشان نمی‌گرداند، و عذابی دردناک خواهند داشت.

خلاق، بهره‌مندی از رحمت خداوند است اما آنان بهره‌ای از رحمت خداوند نداشته و با آنان تکلم نمی‌شود و نظر رحمتی از سوی خداوند بر آنها نیست و این با وجود بصیرت - از نوع بصیرت یافتن قیامتی - است که اکنون از آن بهره‌منداند.

- دیدار مؤمنین

مؤمنین نیز خداوند را به صفات جمالیه مشاهده می‌کنند: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنكُمْ مَلَأْتُمُوهُمُ﴾ (بقره: آیه ۲۲۳) و بدانید که قطعاً خداوند را مشاهده می‌کنید، و بشارت برای مؤمنین است. همه خداوند را ملاقات می‌کنند اما در این میان بشارت برای کسانی است که در مسیر خود به سوی خداوند حرکت ایمانی داشته‌اند. اما از این دسته نیز همه یکسان نیستند و شدت و ضعف، و خلوص حرکت در مسیر، نوع و درجه ملاقات و قربشان را تعیین می‌کند. گروه اول از مؤمنین، اصحاب یمین اند که پروردگار خود را دیدار می‌کنند؛ اما در هر حال این دیدار نیز قلبی است.

مفهوم "دیدار قلبی پروردگار" گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رؤیت امر مقابل سه درجه دارد: جسمی، عقلی و شهود باطنی. دیدار ظاهری و مادی خداوند چنانچه ذکر شد مردود است اما دیدار عقلی نیز ممکن نیست. امام حسین علیه السلام می‌فرماید: خداوند از عقول و اندیشه‌ها محجوب است همان‌گونه که از دیدگان محجوب است (تحف العقول: ص ۱۷۰).

اما آنچه در لقاء پروردگار رخ می‌دهد آنگونه معرفت و شناخت نسبت به خداوند است که با زدودن حجابهای ظلمانی و نورانی ایجاد می‌شود. چنانچه این رؤیت قبل از جهان آخرت نیز برای مؤمنین رخ داده است. ابو بصیر در مورد امکان رؤیت خداوند از امام صادق علیه السلام می‌پرسد: آیا مؤمنین در قیامت خداوند را می‌بینند؟ امام علیه السلام در پاسخ می‌فرماید: آری، و آنها پیش از این هم هنگامی که به آنان گفته شد: ﴿الست بربکم﴾ گفتند: "بلی" و خداوند را دیدند... آنگاه خطاب به ابو بصیر می‌فرماید: آیا تو همین الان او را نمی‌بینی؟

به بیان دیگر امام با اشاره به امکان و وقوع دیدار در دنیا - که طبعاً با چشم سر نیست - به نوع این دیدار در قیامت که از همین سنخ است؛ اما به جهت زدوده شدن حجابهای دنیوی و نیز حجابهای نورانی دیدار برتر است، اشاره می‌کنند.

بالاترین رؤیت که مراد ملکوت اشیاء است نیز در قرآن کریم ذکر شده است که دیدن برتر، درک با وجدان و بدون هیچ ستر و پوششی است و البته اگر این امر به طور اتم و کامل محقق نمی‌شود به دلیل این است که انسان به خود مشغول بوده و یا گرفتار گناه بوده است. بنابراین قرآن کریم این نوع علم را رؤیت و لقاء معرفی و تعیین می‌کند، چنانچه امکان چنین رؤیتی برای حضرت موسی علیه السلام در این دنیا وجود نداشت.

بنابراین رؤیت پروردگار برای مؤمنین رخ می‌دهد. مؤمنین در بهشت از نعمات مادی و معنوی بهره مند می‌شوند که از این رؤیت یا معرفت یافتن به خداوند به صورت بهره مندی آنان از شراب بهشتی - که لذت هم صحبتی با خداوند و نظر به نور الهی و ... را به آنان عطا می‌کند - یاد می‌شود (چنانچه در روایت دسته سوم ذکر شد) و این مسئله نیز به سبب قلب سلیم مؤمن است که به این دیدار و لذت نائل می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر کلام خداوند: "الا من أتی الله بقلب سلیم" (شعراء: آیه ۸۸) می‌فرماید: «القلبُ السَّلیمُ الَّذی یلقى رَبَّهُ و لیسَ فیهِ أَحَدٌ سِوَاهُ، وَ کُلُّ قَلْبٍ فیهِ شِرْکٌ أَوْ شَکٌّ فَهُوَ سَاقِطٌ وَ إِنَّمَا أَرَادُوا الزُّهْدَ فی الدُّنْیَا لِتَفَرَّغَ قُلُوبُهُمْ لِلْآخِرَةِ» (الکافی: ج ۲ ص ۱۶).

قلب سلیم آن دلی است که پروردگار خود را ملاقات کند و در آن هیچ کس جز خدا نباشد... و هر دلی که درجه‌ایی (قسمی) از اقسام شرک یا شک در آن وجود داشته باشد، آن دل از درجه اعتبار ساقط است؛ و مردم را به زهد در دنیا دعوت کرده‌اند تا دل‌های آنان را برای آخرت و ملاقات خدا فارغ گردد.

آنان از شرابی می‌نوشند که معرفت، شهود و قرب برتری به آنان می‌بخشد که میزانی از شراب معرفتی و قربی مقربون را در خود دارد. ﴿مِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ﴾ (مطففین: آیه ۲۷).

بنابراین اگر پاداش و نعمتی هم مطرح می‌شود در سطح بالاتر، همان نعمت قرب و دیدار نور الهی مد نظر است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: "لا تُدرِکُ العیونُ بِمِشَاهِدَةِ العِیَانِ وَ لَکِن تَدْرُکُ القُلُوبُ بِحَقَاقِیقِ الاِیْمَانِ" (نهج البلاغه: خطبه ۱۷۹).

«أَنَّ زَادَ الرَّاحِلِ إِلَیْکَ عِزْمَ إِیرَادِهِ یَخْتَارُکَ بِهَا وَ یَصِیرُ بِهَا إِلَی ما یُودِی إِلَیْکَ اللّهُمَّ وَ قَدْ نَادَاکَ بِعِزْمِ الإِیرَادَةِ قَلْبِی» (الکافی: ج ۲ ص ۱۶).

- دیدار مؤمنان خاص

اما دیدار خاص برای ائمه معصومین علیهم السلام و اولیای الهی رخ می‌دهد، و آنان همان مقربون اند که متنعم به شراب تسنیم اند.

«إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَأَنْزِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَحْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجْبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظْمَةِ، وَتَصِيرَ أَرْوَاحَنَا مَعْلَقَةً بَعزُّ قُدْسِكَ» (بحار/النور: ج ۹۱ ص ۹۹).

خدايا کمال انقطاع به درگاهت را به من ببخش و دیده دلهای ما را به تابش نظر خود روشن نما تا دیده های دل پرده های نور را بدرد و به سرچشمه عظمت و بزرگواری برسد.

در این میان ذکر دو نکته لازم است:

۱ - این دیدار برای برخی در این دنیا نیز واقع شده است. در شب معراج، آیات الهی به رؤیت حضرت رسول ﷺ درآمدند.

﴿لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى﴾ (نجم: آیه ۱۸) و با دیدن آنها مشاهده پروردگارش برایش تمام شد. چرا که مشاهده خدا به قلب، با مشاهده آیات او ایجاد می شود و دیدن آیت به جهت آیت بودنش به جز صاحب آن چیزی را نشان نمی دهد و البته دیدن ذات متعالیه نیز - بدون حجاب یعنی بدون وساطت آیت - امری محال است، چنانچه قرآن کریم می فرماید: ﴿وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا﴾ (طه: آیه ۱۱۰) و حال آنکه ایشان بدان دانشی ندارند.

و این برترین و نزدیکترین مقام رؤیت و لقاء خداوند است: «ثُمَّ دَنَى فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى؛ سپس نزدیک شد و نزدیکتر شد تا به اندازه دو سر کمان یا نزدیکتر (المیزان: ج ۱۹ ص ۵۱). امام موسی بن جعفر در توضیح و تفسیر آیه کریمه می فرمایند: «... فلما أُسرى بالنبي وَ كان من ربه كَقَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى رَفَعَ لَهُ حِجَابٌ مِنْ حُجْبِهِ»؛ شبی که پیامبر به معراج برده شد و به خداوند به مانند دو سر کمان یا نزدیکتر شد، حجابی از حجابهایش برداشته شد (نور/التقلین: ج ۵ ص ۱۴۹) این گونه رؤیت نیازی به برپایی صحنه قیامت ندارد. امام علی ﷺ می فرمایند: «لَوْ كَشَفَ الْعِطَاءَ مَا زِدْتُ يَقِينًا؛ اگر پرده هم کنار رود بر یقین من چیزی افزود نشود» (بحار/النور: ج ۴۰ ص ۱۵۳).

۲ - دیدار خداوند به میزانی است که خود بخواهد، چنانچه امام رضا ﷺ نیز در توضیح امر معراج و دیدار خداوند که برای رسول خدا ﷺ فراهم شد، این نکته را ذکر می کنند که خداوند از نور خود آنچه را که دوست داشت به ایشان نشان داد. این بیان امام می تواند معنای همان کلام نورانی رسول خدا ﷺ باشد که فرمودند: «مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ» تو را آنچنان که شایسته شناختت است، شناخته ایم (همان: ج ۱۱۰ ص ۳۴).

کتاب نامه

قرآن کریم

۱. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، تعلیق: محمد باقر خراسانی، ۱۳۸۶، دار النعمان.
۲. الاختصاص، منسوب به شیخ مفید، تحقیق: علی اکبر غفاری، السید محمود الزرنندی، ۱۴۱۴، دار المفید، لبنان.
۳. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ۱۴۰۳، مؤسسه دار الوفا، لبنان.
۴. البرهان فی تفسیر القرآن، هاشم الحسینی البحرانی، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه، ۱۴۱۷، قم.
۵. تحف العقول، ابن ابی شعبه، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، ۱۴۲۶، دارالقاری، لبنان.
۶. تفسیر مجمع البیان، فضل ابن علی طبرسی، ترجمه: علی کرمی، ۱۳۸۰، انتشارات فراهانی.
۷. دعائم الاسلام، القاضی النعمان المغربی، تحقیق: آصف بن علی اصغر فیض، ۱۳۸۳، دار المعارف، قاهره.
۸. رساله حول الرؤیه، حسن حسن زاده آملی، ترجمه: گروه ترجمه مؤسسه دار الاسلام، ۱۳۷۵، انتشارات پیام.
۹. شرح اصول کافی، ملا صالح مازندرانی، ۱۴۲۱، دار الاحیاء التراث العربی، لبنان.
۱۰. کشف الاسرار و عده الابرار، میبدی، تحقیق: علی اصغر حکمت، ۱۳۷۶، امیر کبیر.
۱۱. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد البرقی، ۱۳۳۰، دارالکتب اسلامی.
۱۲. مستدرک الوسائل، میرزای نوری، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۱۳. معجم مقاییس اللغه، احمد ابن فارس، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، ۱۳۸۹، مکتبه مصطفی البانی.
۱۴. معراج السعاده، احمد ابن محمد مهدی نراقی، ۱۳۷۴، هجرت، قم. مناهج البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴، مؤسسه الطباعه و النشر وزاره الثقافه و الارشاد المسلمین.
۱۵. المیزان، محمد حسین طباطبایی، ترجمه: سید محمد باقر موسوی خراسانی، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. النوادر، احمد بن عیسی الا شعری، تحقیق: المدرسه الامام المهدی علیه السلام، قم: ۱۴۰۸.
۱۷. نهج البلاغه